

اجازه میدهد نظری به جنبه‌های اجتماعی و اخلاقی فلسفه تحریر می‌ریزیم تا می‌کنیم و بحث در جنبه اقتصادی آنرا بشماره آینده موکول می‌دارم.

فلسفه تحریر از جنبه‌های اجتماعی و اخلاقی

جامعه بیش از هر چیز نیازمندی به حسن تعاون و عواطف متقابل در میان افراد دارد؛ هیچ عامل دیگری نمی‌تواند، مانند تشریک مساعی افراد بر مبنای نوع دوستی، جامعه را مستحکم و هم‌آهنگ نگه‌دارد. این حقیقت ایجاب می‌کند هر گونه تبادل اقتصادی طوری منظم شود که لطمه‌ای به استحکام این عواطف متقابل نزنند و نتیجه آن تولید شدن دشمنیها و بدبینیها نباشد و ربا خواری، یکنوع تبادل اقتصادی است که این عواطف متقابل را مست می‌کند و غالباً بدر دشمنیها و کینه‌های دامنه‌داری را در دل‌های می‌پاشد.

نظام ربا خواری برای این اصل استوار است که ربا خوار در هر شرایطی (خواه قرض گیرنده از کسیکه بوسیله پول استقراضی بعمل آورده سود ببرد یا زیان) سود پول خود را خواهد گرفت او کمترین اعتنا و توجهی بضرر و زیان بدهکار نخواهد داشت بدهکار هر اندازه هم ورشکسته و بیچاره باشد باید تمام سود پول را بدون کم و کسر بپردازد، در حالیکه این وضع رقت بار هرگز با موازین عدالت و انصاف جور در نمی‌آید، عدالت و انصاف میگوید اگر ربا خوار با توجه بسودی که احیاناً در کسب عاید بدهکار میشود از او سود بگیرد باید در ضرری هم که ممکن است عاید او شود سهمی باشد. این وضع کاملاً غیر عادلانه است که او همیشه تنها در کمین سود پول خود بنشیند و کاری بضرر و زیان بدهکار نداشته باشد.

دریکه چنین تبادل اقتصادی بدهکار احساس میکند ربا خوار پولی را که از تعاون عموم افراد اجتماع بدست آورده بدون آنکه دوباره بطور صحیح در جامعه بگردش درآورد، و در نتیجه عموم افراد جامعه را در بهره‌های آن سهم کند فقط بخود اختصاص داده است، بدهکار چنین نمی‌فهمد که ربا خوار پول را وسیله استعمار طبقه بی‌سرمایه قرار داده و در حقیقت از فقر آنها سوءاستفاده نموده است، بدین ترتیب ربا خواری یک نوع تبادل اقتصادی میباشد که کاملاً یکطرفه تنظیم شده و تنها منافع ربا خوار در آن منظور گشته است، بدهکاران گریه از روی اضطراب به این معامله تن میدهند اما هرگز واقعیت غیر عادلانه و ضد انسانی آن را فراموش نمی‌کنند، در نظام ربا خواری غالباً کار بجائی میرسد که بدهکاران فقار پنج‌بار یا خوار را بشدت هر چه تمامتر بر گلوئی خود احساس می‌کنند، در آن هنگام که سود بدهان توانسته اند از پول استقراضی

بقیه در صفحه ۵۷

ترجمه واقتباس

حسین حقانی

از کتاب: لماذا اخترت مذهب الشيعة؟

چرا مذهب شیعه را انتخاب کردم؟

«نور حق و حقیقت گاهگاه از قلب بعضیها تجلی می‌کند تا شاید حتی بر سایر مردم بوده باشد.»

۳ سال قبل یعنی در سال (۳۸) هجری قمری کتابی تحت عنوان «چرا مذهب شیعه را انتخاب کردم؟» توسط یک دانشمند سنی بعد از بررسی کامل در فرق مختلف اسلام در سوریه منتشر شد، و در اکثر ممالک اسلامی پخش گردید که نمونه‌ای از تجلی نور حقیقت در قلبهای صاف و کنجکاو می‌باشد.

جالب توجه این است که نویسنده این کتاب که بنام «شیخ محمد مرعی امین انطاسی» موسوم است خود یکی از دانشمندان اهل تسنن بوده و از دانشگاه «الازهر» مصر فارغ‌التحصیل شده؛ مورد توجه رهبران دینی همان دانشگاه قرار گرفته، بطوری که باو پیشنهاد شده بود که بعنوان استاد در همان دانشگاه تدریس کند ولی وی از قبول این تقاضا خودداری کرد.

مؤلف این کتاب با این شخصیت، در اثر حس کنجکاو و حقیقت جوئی، دست از مذهب و عقیده خود که شافعی بود برداشته و مذهب شیعه اثنی عشری را، از میان مذاهب اسلامی انتخاب کرده است، و در این خصوص کتابی نگاشته است که از هر جهت جالب توجه است.

وی در این کتاب علل انتخاب مذهب شیعه را از میان مذاهب مختلف اسلامی بتفصیل بیان کرده و دین شیعه را اصل و اساس سایر مذاهب می‌داند و مسافرتی نیز با اغلب ممالک اسلامی از جمله ایران و عراق نموده و بارهبران مذهبی این دو کشور در قم و نجف مذاکراتی کرده و عقاید آنها را بعنوان عقاید مذهب شیعه از نزدیک مورد بررسی قرار داده است.

و در ضمن بررسیها دریافته است که تمام نسبتهای ناروای گوناگونی که شیعیان داده و می‌دهند، همه بی‌اساس بوده دور از حقیقت است و ما در این مقاله قسمتهای جالب این کتاب را برای اطلاع خوانندگان گرامی برای اولین بار از عربی بفارسی ترجمه می‌کنیم.

* * *

مختصری از تاریخ زندگی مؤلف

مؤلف در مقدمه این کتاب مینویسد :

در چهار فرسخی شهر **انظاکیه** در یک قریه کوهستانی خوش آب و هوا و سرسبز بنام «عنصو» در سال (۱۳۱۴) هجری قمری پا بر سره حیات گذاردم . هنگامیکه برای تحصیل علم ، رشد کافی یافتم ، پدرم مرا بپنجم فرستاد تا خواندن و نوشتن را یاد بگیرم ، و بعد از فرا گرفتن قرآن و کتابت ؛ پدرم مرا برای کمک بکارهای استاد پیش وی باقی گذاشت ولی از آنجا که آتش شوق تحصیل علم در دل من شعله ور بود و از طرفی نیز پیش استاد من زمینه کافی در تحقق این علاقه پاک موجود نبود ، ناچار برای کسب علم و دانش ، پیش استاد دیگری بنام «شیخ رجب» بقریه ای که نزدیکه این قریه بود روانه شدم و تقریباً ۳ سال من و برادرم (شیخ احمد) از محضر استاد خود استفاده کردیم و سپس بشهر انظاکیه منتقل شده و در مدرسه ای نزد مدرس دیگری بنام (شیخ لطیف) و (محمد سعید عراقی) که از طرف حکومت دست نشانده دولت فرانسه در سال ۱۹۱۹ میلادی بسوریه تبعید شده بود ، بتحصیل دانش و کسب کمالات معنوی مشغول شدم و سپس برای ادامه تحصیل علوم دینی و تکمیل آن در دانشگاه «الازهر» مصر رهسپار کشور مصر گردیدم و با برادرم که قبل از من در این کشور مشغول تحصیل علم بود وارد دانشگاه شدم . در مدت کمی علوم اسلامی را پیش استادان و مشایخ آن دانشگاه فرا گرفتم .

در ضمن تحصیل بقصدی کوشش و فعالیت من مورد توجه استادان دانشگاه قرار گرفته بود که بعد از خاتمه تحصیلات بمن پیشنهاد کردند که در کشور مصر بمانم و بتدریس در آن دانشگاه مشغول شوم ولی بعلمت اینکه کشور خودم (سوریه) احتیاج زیادی بوجود دانشمندان و قهطاء و مفسرین داشت از قبول این تقاضا امتناع ورزیدم ، روی این جهت بعد از خاتمه تحصیل بکشور خود (سوریه - حلب) برگشتم و در حدود ۱۵ سال بتدریس علوم اسلامی و افتاء و ایراد خطبه و اقامه نماز جمعه و جماعت بمنظور انجام وظائف مقدس دینی اشتغال ورزیدم .

مذهب شیعه اصل سایر مذاهب اسلامی است

من معتقدم که مطابق منابع تاریخی شیعه و سنی مذهب شیعه اصل و اساس مذاهب اربعه می باشد و آنها در جنبه های مثبت خود مدیون پیشوایان بزرگ شیعه هستند زیرا :

ابوحنیفه اولین کسی است که علوم خود را از **امام جعفر صادق** علیه السلام یاد گرفته

و شاگرد وی میباشد و خود نیز بان اعتراف میکند آنجا که گوید: «اگر نبود آن دو سال که در محضر امام صادق (ع) کسب علوم و حقایق کردم هر آینه هلاک میشدم» (۱)

مالک نیز آراء فقهی خود را از کتابهای ابوحنیفه استفاده کرده است و **شافعی** نیز شاگرد وی بوده ، مملومات خود را از وی یاد گرفته ، چنانکه **احمد حنبل** نیز شاگرد او بوده ، در مملومات خود مدیون اوست .

بنابر این آنچه از مسائل فقهی و آرائی که در کتب این مذاهب چهارگانه موافق با عقیده شیعه وجود دارد مرهون راهنماییهای امام صادق (ع) است و آنچه مخالف عقاید شیعه میباشد مسائلی است که خود آنها ، بمقتضای فکرشان با آنها اضافه کرده اند . همین حقیقت تاریخی یکی از اسبابی است که مرا شوق این آئین کرد و باعث شد که «تشیع» خود را صریحاً اعلام کنم .

بعد از انتخاب مذهب شیعه و انتشار کتاب من در سراسر ممالک اسلامی نامه های متعددی ، از ممالک اسلامی دریافت داشتم که از من خواسته بودند توضیح دهم بجهت از مذهب قدیمی خود که مدت های مدیدی پیرو آن بوده و طبق آن عمل میکردم دست کشیده و بذهب شیعه که ویده ام ناچار من دست بتألیف این کتاب بزنم .

سپس مؤلف علل تفرقه مذهب خود را با ممالک جایی بطور شرح ذکر میکند که در طی مقالات آینده از نظر خوانندگان خواهد گذشت .

(۱) «لولا الاستنان لهلك النعمان»

بقیه از صفحه ۵۴ نفعی برند ولی سود چنان بالای سود جمع شده که اصل بدهی چندین برابر گشته هستی و زندگی بکار بیچاره بخطر افتاده چه حالت وضعیتی پیش می آید؟ در این موقع جز اینکه سراسر وجود بدهکار بیچاره بر با خوار ملت و نفرین بفرستد و تشنه خون او باشد چه انتظار دیگری از او میتوان داشت ؟

در این شرایط بحرانی است که دهها جنایت و حشمتناک و فجیع رخ میدهد فراوان دیده شده که بدهکارانیکه دستان از همه جا کوتاه شده ، طلبکار را با وضع فجیعی کشته اند .

چنانکه بسیاری از آنها چنان از زندگی خود سیر شده اند که راهی بجز خاتمه دادن بزنگی و **انتحار** ! پیش پای خود ندیده اند . سرسراهی وسیع دادگستری تهران تا کنون شاهد مناظر عجیبی از این انتحارهای رقت آور بوده است و صفحات حوادث روزنامه ها از این گونه آدم کشی ها و با خود کشیها که از شیوع ربا خواری سرچشمه میگردد فراوان منتشر میکنند !

در اینجا باید توجه داشت عملاً ثابت شده تصور اینکه ربا خواری طوری محدود شود که منجر به این مفاسد نگردد تصویر کاملاً غیر عملی است پیدا است و قنونی یک تبادل اقتصادی بر اساس غلطی استوار بوده و تنها برای تأمین منافع رباخوار تنظیم شده باشد با محدود کردن آن نمیتوان از مفاسد آن جلوگیری کرد (بجستدر باره مفاسد اخلاقی و اقتصادی ربا در شماره آینده خواهید خواند) .